

واکاوی علت عدم موفقیت ایران در صادرات گاز

محمد رضا تهری^۱

فرامرز میرزازاده*

سعید نریمان^۳

گارینه کشیشان سیرکی^۴

چکیده

شرایط ژئوپولیتیک و وجود منابع عظیم گازی ایجاد می‌کند که ایران به بزرگ‌ترین صادرکننده گاز در جهان تبدیل شود اما این مهم تاکنون محقق نشده است. این تحقیق تلاش می‌کند به ریشه‌یابی موضوع بپردازد. گرچه مؤلفه‌های مختلفی می‌توانند در عدم بهره‌مندی ایران از منابع گازی و شرایط ژئوپولیتیک وجود داشته باشند اما به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین عوامل و مؤلفه‌ها تصمیم‌گیری نادرست در عرصه صادرات گاز بوده است. بنابراین، مسئله اصلی این تحقیق بررسی چرایی استفاده نکردن ایران از واقعیت ژئوپولیتیک و ذخایر عظیم گازی و ناکامی در بازارهای منطقه‌ای و جهانی در عرصه صادرات گاز است. فرضیه تحقیق چنین در نظر گرفته شده است که سیاست‌گذاری نادرست نخبگان عامل عدم استفاده بهینه از شرایط ژئوپولیتیک برای کسب جایگاه مناسب در صادرات گاز ایران بوده است. در واقع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان اصلی جمهوری اسلامی ایران، بنا بر دیدگاه فضیلت‌گرای خود، تا اوایل دهه ۱۳۹۰ اعتقاد و برنامه خاصی برای صادرات گاز نداشته‌اند تا اینکه تحریم‌های غرب علیه ایران جدی‌تر شد. از آنجایی که صادرات ایران مبتنی بر فروش نفت خام و منبع اصلی درآمد بوده است از صادرات گاز اساساً غفلت شده و برنامه‌ریزی و آینده‌نگری درباره صادرات این منبع صورت نگرفته است. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: انرژی گازی، ژئوپولیتیک، سیاست‌گذاری، صادرات گاز، نخبگانسیاسی، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

۲. گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام ایران (راهنمای رساله)

* F.mirzazade@gmail.com

۳. گروه علوم سیاسی علمی پژوهشی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران ایران (مشاور رساله)

۴. گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران (مشاور رساله)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی سی ام، صص ۱۹۶-۱۷۷

بازیگران بزرگ بین‌المللی بر اساس منابع و امکاناتی که در اختیار دارند برای کسب و حفظ منافع ملی خود تصمیم گرفته و بازی می‌کنند. انرژی‌های فسیلی، امروزه، نقش برجسته‌ای را در تصمیم‌گیری‌ها و اثرگذاری جهانی و منطقه‌ای یافته‌اند. به‌گونه‌ای که صاحبان منابع انرژی و متقاضیان و مصرف‌کنندگان آن، متناسب با تصمیمات عرضه و تقاضای خود اثرگذاری خود را در عرصه جهانی به نمایش می‌گذارند. اما نوع و شرایط تصمیم‌گیری خود دارای مولفه‌هایی است که امکان رعایت یا عدم رعایت آن می‌تواند اثرات یا تبعات متعددی برای جوامع داشته باشد. نکته حائز اهمیت در عصر کنونی تصمیم‌گیری در حوزه‌ای از انرژی‌های فسیلی است که بنا به مسائلی همچون استخراج، قیمت ارزان، داشتن حداقل مضرات زیست‌محیطی و انتقال راحت و آسان می‌تواند برای دارندگان آن نقطه عطفی در مسیر توسعه باشد؛ به خصوص برای کشوری مثل ایران که دارای ژئوپلیتیک منحصر به فردی است که فی‌نفسه ابزاری برای بهره‌مندی از مواهب امکان دسترسی و وابستگی خیلی از کشورهای جهان را مهیا کرده است. این انرژی، همانا گاز است. حال مسأله اصلی این است که چرا ایران از این مواهب نتوانسته است استفاده کند؟ ریشه مشکل کجاست؟ پاسخ‌های متعدد و متفاوتی را می‌توان در نظر گرفت و برای تبیین آن‌ها به کاوش پرداخت. اما عدم توجه به منابع عظیم گازی در فرایند توسعه اقتصادی از یک طرف و ناتوانی در استفاده از آن به عنوان ابزاری برای بازی سیاسی - اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی از طرف دیگر، ایجاب می‌کند که دلیل اصلی را در ناکارآمدی سیاستگذاری ایران در حوزه صادرات گازی بدانیم. گرچه ادعان داریم دلایل بیرونی / خارجی متعددی وجود دارد که بر عدم استفاده بهینه ایران از منابع گازی اثر گذارند اما معتقدیم که نوع و کیفیت عوامل خارجی معلول دلایل و عوامل داخلی‌اند. از همین روی، در این تحقیق، ما بر روی دلایل داخلی متمرکز شده‌ایم. در حوزه داخلی نیز می‌توان دلایل متعددی را ذکر کرد که باعث ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه صادرات گاز ایران بوده‌اند؛ دلایلی همچون غیرتخصصی بودن مدیران این حوزه، محدودیت‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان، انعطاف‌ناپذیری نهادهای تصمیم‌گیرنده، داشتن درک نادرست از واقعیت‌های موجود منطقه‌ای و جهانی،

نارسایی‌های ارتباطی از لحاظ تبادل اطلاعات میان سطوح مختلف تصمیم‌گیری و غیره می‌توانند از جمله این دلایل بوده و مورد بررسی قرار گیرند. اما این مقاله درصدد است دلایل و عوامل محدودکننده ساختاری برای تصمیم‌گیرندگان حوزه صادراتی را به عنوان دلیل اصلی در نظر گرفته و تأثیر آن را بر ناکارآمدی سیاست‌گذاری در حوزه صادرات گازی بررسی نماید. بنابراین، این تحقیق مشکل را در ساختار ایدئولوژیک تصمیم‌گیری نخبگان در حوزه سیاست‌گذاری‌ها فرض کرده و تلاش کرده است آن را تبیین نماید. برای تبیین فرضیه فوق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده‌ایم تا با توصیف شرایط، امتیازات و موقعیت ژئوپلیتیک ایران بتوانیم این ناکامی را تبیین نمائیم. برای رسیدن به هدف مذکور به نظریه تصمیم‌گیری متوسل شده و عمدتاً از آرای گراهام آلیسون بهره خواهیم گرفت. با این وصف، در ادامه، ابتدا به طرح رهیافت نظری تحقیق می‌پردازیم.

۱. رهیافت نظری تحقیق

همان‌گونه که اشاره شد، از رهیافت نظری تصمیم‌گیری برای تبیین فرضیه تحقیق استفاده خواهیم کرد. یکی از مهم‌ترین رهیافت‌هایی که بر نقش عوامل داخلی بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دولت‌ها تأکید دارد نظریه تصمیم‌گیری^۱ است. هدف این رهیافت که در آثار دانشورانی چون ساپین^۲، بروک^۳، سایمون^۴ و به‌خصوص اسنایدر^۵ پی‌ریزی شد و سپس جوزف فرانکل^۶ و گراهام آلیسون آن را گسترش دادند، «رد کردن ادعای رئالیست‌ها مبنی بر جعبه سیاه فرض کردن دولت و سپس شکستن این جعبه» بود (جزینی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۷). از جمله متغیرهای مهم در رویکرد نظریه تصمیم‌گیری «فرایند تصمیم‌گیری» است. این فرایند آن‌گونه که نظریه‌پردازان رویکرد

1Graham T. Allison

2decisions – making theory

3Sapin

4Bruck

5Simon

6Snyder

7Joseph Frankel

تصمیم‌گیری بر آن تأکید دارند تحت تأثیر عوامل مختلف فردی - ذهنی، اجتماعی - سیاسی و ترکیبی از ایندو قرار می‌گیرد. در مدل عقلایی تصمیم‌گیری که آلیسون طرح کرده بر سه الگوی اصلی بازیگر خردمند، فرایند سازمانی و سیاست دیوانسالاری تأکید شده است:

الف) در الگوی بازیگر خردمند تصمیم‌گیرنده، انسانی کامل به حساب آمده که تصمیمات آن حداکثر مطلوبیت به دنبال دارد و ارزش‌های مورد نظر را به بهترین وجه برآورده می‌نماید. ولی خود آلیسون هشدار می‌دهد که در این الگو از زاویه بسیار محدودی به واقعیت نگریسته می‌شود و در بعضی از موارد درست عمل نمی‌کند.

ب) آلیسون در الگوی دوم خود که فرایند سازمانی است فرض را بر این می‌داند که تصمیم‌گیرندگان کاملاً عقلایی عمل نمی‌کنند، بلکه محدوده‌ای از زمینه‌ها، ادراک از بدیل‌ها و توانایی تصمیم را لحاظ کرده و در چارچوب آن عقلایی رفتار می‌نمایند.

ج) در الگوی سوم آلیسون، دیگر تصمیم‌گیری محدود به چارچوب ضوابط و معیارهای رسمی سازمان نیست بلکه بر متغیرهای برآمده از ساختار حکومت تأکید می‌شود و از دیدگاه این الگو سیاست خارجی دولت‌ها حاصل کشمکش‌ها، ائتلاف‌ها و چانه‌زنی‌های پیچیده در میان افراد و عوامل حکومت داخلی است (آلیسون، ۱۳۶۴: ۲۷۱-۲۷۰).

بر این اساس، سیاست وابسته به دیوانسالاری است و سیاست حکومتی بر متغیرهای برآمده از ساختار حکومت تأکید دارد. این الگو بر سیاست‌های داخلی یک حکومت متمرکز است و مطابق آن تصمیمات در امور خارجی به عنوان انتخاب‌ها و خروجی‌ها استنباط نمی‌شوند، بلکه تصمیمات نتایج بازی‌های چانه‌زنی متنوع هم‌پوشان میان بازیگرانی هستند که به لحاظ سلسله‌مراتبی در دولت مقامی دارند (جزینی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۸). آلیسون، در ادامه، این بحث را مطرح می‌نماید که سازمان‌ها و ادارات به وسیله افرادی اداره می‌شوند که هر یک برای خود نقش و صلاحیتی قائل بوده و ممکن است در رقابت با یکدیگر قرار داشته باشند. در نتیجه تصمیم نه محصول فرآیند کار و وظیفه یک سازمان بلکه محصول چانه‌زنی افرادی تلقی می‌شود که از موقعیت شغلی خود استفاده و به ایفای نقش می‌پردازند. در نتیجه ویژگی‌های شخصی، شغلی، انگیزه‌ها

و عقاید دیوانسالاران در فرآیند تصمیم‌گیری نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید. از این‌رو، بر اساس الگوی سیاست دیوانسالارانه، سیاست‌های کلان دولت‌ها نه به عنوان برون داد سازمان‌ها تلقی می‌گردند و نه در یک بازیگر واحد خلاصه می‌شوند، بلکه بازیگران بیشتری که در تصمیمات مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. بازیگران در الگوی سیاست دیوانسالارانه در یک دوره زمانی محدود بازی نمی‌کنند، بلکه بیشتر طبق فرضیات ملی گوناگون و چارچوب سازمان‌ها و هدف‌های شخصی عمل می‌کنند، بازیگرانی که تصمیمات حکومتی را نه به تنهایی، بلکه به دنبال انتخاب چاره‌ای خردمندانه ولی از راه انتقاد و کشش و کوشش درمسیری که درست تر به نظرشان می‌آید، اتخاذ می‌کنند (آلیسون، ۱۳۶۴: ۲۴۰-۲۳۹). آلیسون معتقد است که بازیکنان دیوانسالاری با هیچ طرح جامع استراتژیکی هدایت نمی‌شوند، بلکه دریافت‌های متعارض آنان از اهداف ملی، دیوانی و شخصی موجب اقدامات گوناگونی می‌شود. پس سیاست خارجی کشورها ضرورتاً به توجیهات عقلی مبتنی نیست، بلکه حاصل تعاملاتی است که از درون نظام متمرکز و به هم پیوسته سازمان‌ها حاصل شده است. طبق این الگو، حوادثی که در امور خارجی روی می‌دهند، نه به عنوان انتخاب گرفته می‌شود و نه بازده، بلکه به مثابه برآیند بازی‌های کاسب‌کارانه گوناگونی میان بازیگران درون حکومت ملی، ویژگی می‌یابد (صدیق، ۱۳۹۵: ۱۴۴). بدین ترتیب، گرچه به بیان سایمون، «خرد ابزاری است که به انسان در انتخاب اهداف و بخصوص راه‌های دسترسی به اهداف کمک می‌کند» (قریب، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۴) اما خردورزی ممکن است در چارچوب برخی ساختارها صورت گیرد که یکی از آن‌ها ساختار ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه است. چنین ساختارهای سیاسی ایدئولوژیک، فضیلت‌گرا بوده و بنا بر ارزش‌ها و اعتبارات فضیلتی مسجل و حاکم در جامعه سیاسی عمل می‌کند.

در ساختار سیاسی ایدئولوژیک، آرمان‌ها و فضایل ذهنی بر واقعیات عینی و مادی تقدم می‌یابند. در این ساختار، «انسان نسبت به محیط پیش‌داوری ناآگاهانه داشته و با جزمیت اعتقادی دست به انتخاب‌ها و تصمیمات کورکورانه می‌زند» (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۵). بر همین اساس است که در سیاست‌گذاری‌های خود کمتر با اتکا به مدل عقلایی

تصمیم می‌گیرند و بیشتر بر مدل رضایت‌بخش متوسل می‌شوند که «قادر به اتخاذ بهترین تصمیم در معنای اقتصادی آن نیستند» (قوام، ۱۳۸۴: ۲۵۲). هر چند ممکن است در این مدل به واقعیت‌های موجود نیز توجه شده باشد، اما محرک و هدایت‌کننده اصلی تصمیم‌گیران، برآورده کردن فضیلت‌های مورد نیاز ساختار سیاسی حاکم است.

۲. ذخایر گاز جهان و ایران:

بیش از چهل درصد از منابع گاز طبیعی جهان در داخل منطقه‌ای بیضی شکل است که از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مرکزیت ایران، سبب شده تا این بستر فضایی استراتژیک با هدف تأمین امنیت جهانی انرژی تحت عنوان خاورمیانه بزرگ و در عرصه سیاست نوین جهانی مورد توجه ویژه قرار گیرد. در واقع، گاز طبیعی سومین منبع بزرگ اولیه انرژی در جهان است و ذخایر آن از نظر جغرافیایی پراکنده‌تر از ذخایر نفت است (Kuhn, 2012: 70).

ذخایر گاز طبیعی شناسایی شده در جهان در حدود ۲۰۸/۴ تریلیون متر مکعب می‌باشد (BP, 2017: 26). در این بین، ایران از نظر منابع و ذخایر انرژی بخصوص گاز طبیعی جایگاه ویژه‌ای دارد. ایران با داشتن میزان ذخیره گازی ۳۳/۵ تریلیون متر مکعب گاز و حدود ۱۸/۴ درصد از گاز جهان (BP, 2017: 26)، از جمله کشورهایی است که دارای مزیت‌های عدیده‌ای بوده و از زمینه‌های عینی فراوانی برای تحقق استراتژی و گزینه ارتباطی مشارکت فعالانه و تعامل جهانی برخوردار است (قریب، ۱۳۹۲: ۳۱۲). همچنین، نیاز روزافزون به تنوع انرژی و دستیابی به منابع عرضه آن فرصت تاریخی بسیار عظیمی در اختیار ایران قرار داده است تا نقشی مؤثر در منطقه و جهان ایفا کند. در جغرافیای سیاسی بررسی توانایی و قدرت یک کشور به میزان قابل توجهی به منابع معدنی آن بستگی دارد. تجهیز و بهره‌برداری صحیح از منابع معدنی موجود از معیارهای عمده قدرت ملی یک کشور به شمار می‌رود؛ هر اندازه دولتی از منابع و امکانات بیشتری برخوردار باشد نقش آن در روند تحولات منطقه‌ای بیشتر است. بر اساس آمارهای موجود، ایران شانزده در صد ذخایر ثابت شده گاز جهان را دارا می‌باشد. این در حالی است که فقط یک درصد جمعیت جهان را دارد (Eurogas.org, 2011/2/21).

بدین ترتیب، ایران با دراختیار داشتن بیش از بیست و نه تریلیون متر مکعب ذخایر گازی بعد از روسیه مقام دوم در جهان را دارد و اول در خاورمیانه (Sadeghi and et al, 2017). وجود منابع عظیم گازی از یک طرف و موقعیت ژئوپلیتیک ایران از طرف دیگر، در منطقه ایجاب می‌کند ایران دارای دست برتر در معادلات منطقه‌ای و جهانی داشته باشد. بنابراین ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس، دریای خزر و غرب سبیری (آسیای مرکزی)، از امکان ایجاد انتقال انرژی از شمال به جنوب و غرب به شرق و یا بالعکس برخوردار می‌باشد (مختاری‌هشی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲۴-۹۵). این در حالی است که ایران نتوانسته است به چشم‌اندازهای مناسب در صدور انرژی گاز دست یابد. گرچه به نظر می‌رسد تحریم‌های غرب تاثیرگذارترین عامل باشد اما نمی‌توان از نوع تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی‌غافل ماند که نتوانستند متناسب با واقعیات موجود تصمیم‌گیری کنند و بر اساس داشته‌های خود در بازی‌های گازی دست برتر داشته و بر رقبای استیلا یابند.

۳. تصمیم‌گیری‌های ایدئولوژیک و فرصت‌های از دست‌رفته

اکثر کارشناسان امور بین‌المللی هدف‌ها و انگیزه‌های اصلی رفتار کشورها در صحنه بین‌المللی را منافع ملی نام نهاده‌اند (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۸۰). آن‌ها معتقدند که آنچه دولت‌ها در صحنه سیاست و روابط بین‌الملل انجام می‌دهند، همگی به منظور حفظ، کسب یا توسعه منافع ملی خودشان است. به عبارت روشن‌تر، منافع ملی و شاخص‌های تعیین‌کننده آن می‌بایستی همواره به مثابه راهنما و قطب‌نمای اصلی رهبری سیاست خارجی یک کشور عمل نمایند (اسدی، ۱۳۸۵: ۱۱). بر این اساس، منظور از منافع ملی، هدف‌های عام و ماندگاری است که یک ملت برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کند. طبق این تعریف، منافع ملی، مفهوم وسیعی است که تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی نیست و ممکن است حیطة وسیعی که شامل دستیابی به انرژی، منابع مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و غیره را نیز در خود، جای دهد (روشندل، ۱۳۷۴: ۳۸). اما ساختار تصمیم‌گیری و سیاستگذاری به معنای سلسله‌مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیرندگان و

سیاستگذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های کلان رعایت می‌کنند. تصمیم‌گیری در سیاست‌های کلان توسط بازیگران فردی، نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که در فرایند تصمیم‌گیری جایگاه و مرتبه مشخص و معینی دارند. در ساختار تصمیم‌گیری توجه به دو مسأله حائز اهمیت است: نخست، بررسی ساختار و نهادهای رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری است و دیگر، توجه به نقش و اهمیت عناصر تصمیم‌گیر در سیاست‌های کلان. به عبارت دیگر، برخی از محققان در مطالعه سیاست خارجی توجه خود را به جایگاه عناصر تصمیم‌گیر معطوف می‌کنند و قصد دارند بدین ترتیب عنصر تأثیرگذار در تصمیم‌گیری را مورد شناسایی قرار دهند. منظور از عناصر مؤثر بر تصمیم‌گیری در واقع اشاره به مقدمات و محذوراتی است که تصمیم‌گیر باید در حین اتخاذ تصمیم مورد لحاظ قرار دهد. به نظر می‌رسد آنچه که در این بین مهم و تعیین‌کننده می‌باشد، میزان قدرت کشور در عرصه داخلی و خارجی و مجموعه عوامل داخلی و خارجی است که به تعبیر رضانی (۱۳۸۰: ۳۸) با مفهوم «آزادی عمل» پیوند خورده است. بدیهی است که هر کشوری که از منابع قدرت قوی برخوردار باشد، از منابع مؤثرتری در تصمیم‌گیری برخوردار است. این منابع در قانون اساسی هر کشوری تبیین و گاهی مواقع تحدید می‌شوند. از جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منابع تصمیم‌گیری در ذیل اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ مندرج است که مطابق با آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان بایستی نکاتی مانند نفی سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه، ممنوع بودن قراردادهایی که باعث سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌شود را ملاحظه کرد و بر آرمان خود دانستن سعادت انسان‌ها در کل جامعه بشری و دفاع از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه‌ای از جهان تاکید کرد. متناسب با این آرمان‌ها این ذهنیت در جمهوری اسلامی حاکم بوده است که بایستی استفاده از منابع طبیعی، از جمله انرژی‌های فسیلی؛ به خصوص نفت و گاز، رایگان باشد. این ذهنیت در مباحث مربوط به هدفمند کردن یارانه‌ها نیز رونق گرفت و قرار شد که «بوی نفت سر سفره‌های ایرانی» احساس شود. در سایه همین ذهنیت، تا اوایل دهه ۱۳۹۰ که تحریم‌ها علیه ایران تشدید نشده بود نگاهی اقتصادی به گاز وجود نداشت و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در این حوزه صورت

نمی‌گرفت و تولید آن صرفاً برای مصرف داخلی بود. نتیجه این تصمیمات بی‌توجهی با شرایط ژئوپلیتیکی ایران و رقابت موجود در عرصه صادرات گاز بود. اما با افزایش قیمت نفت، قدرت‌های اقتصادی به سوی مصرف گاز روی آورده و این امر باعث افزایش مصرف گاز شد (Alvera and et al, 2018: 12). این در حالی است که ایران فرصت‌های زیادی را پیش‌روی خود داشته و دارد: یکی از مهم‌ترین بازارهایی که ایران می‌تواند با هزینه کم و منافع زیاد به آن دسترسی داشته باشد صدور گاز به کشورهایمانند پاکستان، هندوستان، کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه و عراق است که در سال‌های اخیر فرصت‌های زیادی برای صادرات گاز به این مناطق به علت فقدان مدیریت صحیح و حاکمیت سیاست‌های ناکارآمد به راحتی از دست رفته است. یکی از فرصت‌های از دست‌رفته، مذاکرات با کشور عمان برای صادرات گاز به میزان ۱۰ میلیارد مکعب گاز در سال است که تاکنون بی‌نتیجه مانده است (خبرگزاری مهر، ۹۷/۱۰/۲۱). تعلل در اجرای این قرار داد عرصه را برای کشورهای رقیب خالی کرده است. فرصت دوم خط لوله گاز ایران به شبه قاره هند و طیفی از کشورهای پاکستان، هندوستان، چین و سایر کشورهای این منطقه می‌باشد که قرار بود در سال ۱۳۸۶ صادرات گاز ایران به پاکستان در قالب لوله صلح امضا شود و تا هند امتداد یابد. چین نیز تمایل خود به پیوستن به این خط لوله را اعلام کرد اما به دلیل تشدید تنش بین هند و پاکستان در سال ۱۳۸۷، باعث کناره‌گیری هند از این خط لوله شد. در سال ۱۳۸۸ این قرارداد بین روسای جمهور ایران و پاکستان امضا و مقرر گردید ۱۱۰۰ کیلومتر لوله در ایران و ۱۰۰۰ کیلومتر آن در پاکستان احداث و روزانه ۶۰ میلیون مترمکعب گاز از طریق این خط لوله از ایران به پاکستان صادر شود. به علت اختلافات سیاسی بین حاکمیت ایران و آمریکا از همان ابتدای اجرا شدن قرارداد، آمریکا با شدت به آن مخالفت کرد و تمام توان خود را به کار بست تا پاکستان این قرارداد را لغو کند اما پاکستان علی‌رغم همه این فشارها بعد از ۱۱ سال عزم خود را برای اجرای این قرارداد جزم کرد تا این خط لوله به سرانجام برسد اما آمریکایی‌ها طرح جدیدی پیشنهاد دادند که طبق آن گاز ترکمنستان از طریق خط لوله تاپی از مسیر افغانستان به پاکستان و هند انتقال دهند (عزتی و بایی‌لاشکی،

۱۳۹۴: ۱۶-۱) آمریکایی‌ها اعلام کردند که حاضرند تمام هزینه این خط لوله را تأمین و وظیفه احداث و امنیت آن را به عهده بگیرند (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۷/۹/۲۰).

سیاست‌گذاری‌های کلان ایدئولوژیک ایران با منافع ایالات متحده در تضاد بوده و آن کشور را برای تقابل با سیاست‌های گازی ایران تهییج می‌کند. اقدامات آمریکا از یک سو و رایزنی‌های مسئولان پاکستانی از سوی دیگر باعث عقب‌نشینی پاکستان از واردات گاز از ایران شد. البته این فقط آمریکا نیست که مخالف صدور گاز ایران به پاکستان است بلکه کشور عربستان نیز از این موضوع بسیار خشمگین بوده و به کشور پاکستان پیشنهاد داده که درقبال انصراف از این قرارداد حاضر است انرژی مورد نیاز پاکستان را با قیمت پایین‌تر را تأمین کرده و خسارت وارده به پاکستان از این قرارداد را با دادن وام‌های طولانی مدت جبران کند.

فرصت سوم قرارداد کرسنت است. کرسنت قرارداد گازی است که بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت اماراتی کرسنت پترولیوم دوبی که در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۱) منعقد شده است. مذاکرات اولیه این قرارداد از سال ۱۹۹۷ آغاز شد و در نهایت، در سال ۲۰۰۱ منجر به تفاهم مشترک شد. بر اساس مفاد این قرارداد، از طریق لوله‌کشی در خلیج فارس، گاز میدان سلمان به امارات (مخزن مشترک با ابوظبی)، به میزان روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب به امارات صادر شود. براساس مذاکرات انجام شده، ایران متعهد می‌شد گاز ترش (فراوری نشده) تولیدی میدان گازی سلمان را به مدت ۲۵ سال و از آغاز سال ۲۰۰۵ میلادی به امارات متحده عربی صادر کند. حجم صادرات هم قرار بود از ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز آغاز شود و به تدریج به ۸۰۰ میلیون مترمکعب در روز برسد. بهای فروش گاز در قرارداد یاد شده بر پایه ۱۰۰۰ متر مکعب گاز، معادل یک بشکه نفت در نظر گرفته شد. در این قرارداد، برای ۷ سال اول فروش گاز ایران قیمت نفت به صورت ثابت و به میزان ۱۸ دلار برای هر بشکه نفت تعیین شده و بهای فروش هر ۱۰۰۰ متر مکعب گاز نیز به همین نسبت ۱۷/۵ دلار در نظر گرفته شد. برای ۱۸ سال بعد از ۷ سال اولیه و تا پایان زمان ۲۵ ساله قرارداد، قیمت فروش گاز بر پایه قیمت نفت خام دبی (۴۰ دلار در هر بشکه)، به صورت ثابت هر ۱۰۰۰ متر مکعب ۳۸/۸۵ دلار تعیین

گردید (ایرنا، ۱۳۹۴/۱۱/۲۱). علاوه بر قیمت بسیار پایین اولیه گاز و تثبیت قیمت در دوران ۷ ساله و ۱۸ ساله قرارداد، امضاء پیمان در شرایط استثنایی صورت گرفت و شرکت کرسنت نخستین شرکت تجاری بود که بدون رقیب به عقد چنین قراردادی با ایران نائل شد. این در حالی است که کلیه قراردادهای پیشین فروش گاز مستقیماً با دولت‌های خریدار صورت گرفته بود. پیش‌بینی سودآور بودن قرارداد فروش گاز به کرسنت با ارقام نجومی، در حدی بود که بعد از عرضه سهام شرکت «دانا» در بورس امارات، دارایی اسمی آن، به دلیل افزایش بهای سهم، نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار افزایش یافت. اما اختلاف دیدگاه‌های مختلف درونی سیاستگذاران ایران که با تعویض دولت تغییر می‌کند و روش نامتعارفی که در این قرارداد طی شده بود این قرارداد هم در مرحله اجرا عقیم ماند و نه تنها به سرانجام نرسید بلکه با شکایت کشور امارات از ایران که این قرارداد را یکطرفه لغو کرده بود خسارت سنگینی هم باید به کشور امارات پرداخت شود. فرصت چهار صادرات گاز به اتحادیه اروپا است. اگرچه صادرات گاز به کشورهای اروپایی مهم است اما در اولویت دوم ایران قرار دارد و به دلایلی انجام آن در شرایط فعلی مقرون به صرفه نیست. در وحله اول، اتحادیه اروپا و کشورهای این منطقه، خط قرمز روسیه در عرصه جهانی گاز است. در حالی که از میان کشورهای تأمین‌کننده و صادرکننده گاز، ایران تنها کشوری است که می‌تواند به اروپا گاز صادر کند و عملاً بازار روسیه در این منطقه را تصاحب کند. از این رو، روسیه به شدت تلاش می‌کند که ایران وارد بازار گاز اتحادیه اروپا نشود و اجازه نمی‌دهد ایران به رقیبی برای این کشور در این منطقه تبدیل شود. علاوه بر این، صادرات گاز به اروپا مستلزم کشیدن خط لوله بسیار طولانی‌تری نسبت به کشورهای همسایه و حوزه خلیج فارس است. تنها مسیر منطقی صادرات گاز از ایران به اروپا، ترکیه است هرچند که در گذشته مسیرهای انتقال متعددی از جمله عراق، سوریه، خط لوله اسلامی، ارمنستان و گرجستان مورد بررسی قرار گرفتند اما در حال حاضر، ترکیه گزینه مناسب ایران برای صادرات گاز به اروپاست. خط لوله مورد نیاز برای انتقال گاز از عسلویه به مرز ترکیه حدود ۲ هزار کیلومتر است. صادرات گاز از ترکیه به نخستین کشور اروپایی نیز مستلزم حداقل ۲۰۰۰ کیلومتر دیگر خط لوله

است که در مقایسه با خط لوله ۲۰۰ کیلومتری به کشورهای حاشیه خلیج فارس طول بسیار بالاتری دارد (شکری کله‌سر، ۱۳۹۶: ۳-۴). از طرفی ترکیه به دلیل سیاست‌های اتخاذی خود، حاضر به ترانزیت گاز ایران نیست. این کشور مایل است به عنوان هاب گازی خود دریافت‌کننده و توزیع‌کننده گاز باشد که این مسأله به هیچ‌وجه مورد پذیرش ایران نیست. با توجه به این موارد، ایران همیشه از کشورهای اروپایی متقاضی گاز ایران خواسته که خود مستقیم با ترکیه وارد مذاکره شوند و این کشور را متقاعد کند که تنها به ترانزیت اکتفا کند و اجازه دهد ایران خود به بازار مصرف دسترسی داشته باشد. افزون بر مسائل لجستیکی و ژئوپلیتیکی موجود در رابطه با صادرات گاز ایران به اروپا، بحث قیمت هم مطرح است. زمانی می‌توان به این اقدام به صورت عملی اندیشید که بتوان با قیمت‌های بالا، نیازهای منطقه را پوشش داده و مازاد آن را به بازارهای اروپا صادر کرد. حال با توجه به توضیحاتی که در روند این نوشته از دیدگاه آلیسون داده شد، جبریت‌های درون سازمانی بر قدرت انتخاب رهبران سیاسی تأثیر محدود کننده‌ای دارند. بنابراین بر خلاف تصمیم‌گیری بازگیر خردمند، قواعد حاکم بر سازمان‌ها و برنامه‌های درگیر در تصمیم‌گیری در کانون توجه قرار می‌گیرند و عقلانیت مطلق را در تصمیم‌گیری محدود می‌کنند (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۷۰). بی‌شک، فرایند تصمیم‌گیری تابع بسیاری از عوامل مختلفی است که هم با رفتار افراد ارتباط دارند و هم تابع ساختار سازمان‌های بزرگ است، نقش تصمیم‌گیری را هم سیستم و هم تفسیر فرد از سیستم شکل می‌دهد و نفوذ شخصیت در مقایسه با ایدئولوژی اجتماعی از یک سیستم به سیستم دیگر به میزان بارزی متفاوت است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۷۶۲). بنابراین تصمیمات سیاست‌های کلان بر توجهات عقلی مبتنی نیست بلکه حاصل تعاملاتی است که از درون نظام متمرکز و به هم پیوسته سازمان‌های دولتی حاصل می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته از قانون اساسی و ایدئولوژی حاکم بر آن است. نتیجه این سیاست‌ها که فضیلت‌محور هستند بهینه‌بودن تصمیمات، از نظر عقلانی، را چندان مطمح نظر ندارند. همین سیاست‌های فضیلت‌گرا در حوزه صادرات گاز هم حکم‌فرما بوده و در تمام قراردادهایی

که می‌توانست باعث تنوع صادرات گاز ایران شود را ناکارآمد کرده و باعث تحریک دیگر ایدئولوژی‌های حاکم در منطقه گردیده است که نمونه بارز آن تقابل ایران و عربستان در حوزه‌های مختلف نفتی است. این نظام فضیلت‌گرا که دفاع از مستضعفین و مبارزه با مستکبران را افتخار خود می‌داند، هرگونه قراردادی که شائبه تسلط بیگانگان بر حوزه‌های اقتصادی داشته باشد به هیچ وجه هم‌سو با خود ندانسته و با آن مخالفت می‌کند. بنابراین در کلیه سیاستگذاری‌هایی که در زمینه صادرات گاز اتخاذ می‌شود و تصمیمات کلان سیاسی که در این حوزه گرفته می‌شود تحت‌تاثیر همین نظام ایدئولوژیک است. بنابراین نخبگان سیاستگذار در حوزه گازی نیز در درون چنین نظامی ناکارآمد بوده است. ایران گرچه در تولید داخلی گاز موفق بوده است ولی هرگز نتوانسته به اهداف صادراتی گاز خود دست یابد.

۴. پیامدهای تصمیمات ایدئولوژیک

وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا سیاست خارجی ایجاد روابط مناسب با آمریکا، اسرائیل، اروپا و رژیم‌های دوست آمریکا در خاورمیانه به سیاست خارجی تقابل با غرب و اسرائیل تبدیل شود و حمایت از حرکت‌های انقلابی و اصلاحی در منطقه خاورمیانه که دولت‌های طرف‌دار غرب و حکومت‌های سکولار را هدف گرفته بودند، در دستور کار قرار دهد. این چرخش باعث پایان حضور ۲۵ ساله آمریکا در ایران، جایگزینی اسلام سیاسی بر اسلام باستان‌گرای سکولار، تأکید بر وحدت اسلامی، نفی سلطه‌پذیری و آمریکا ستیزی، استقلال و خودکفایی و تقویت بنیه دفاعی معنویت‌گرا در برابر اقتدار در سایه ائتلاف شد (حسن‌خانی و محمدی‌سیرت، ۱۳۹۷: ۵۱). نوع نگرش در سیاستگذاری، پیامدهای گوناگونی برای ایران داشته است و این جهت‌گیری‌ها در حالی است که سرمایه‌گذاری در عملیات بالادستی نفت و گاز از اهمیت زیادی در اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز برخوردار است. وجود چالش‌های مهمی مانند تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، تنش‌های سیاسی ایران در روابط خارجی، وجود فضای پرتنش منطقه‌ای و بین‌المللی، نبود زمینه‌های کارآمد و کافی برای تعامل و همگرایی بین‌المللی، ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، موانع حقوقی و قانونی در کشور

(اصل ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی و برخی مواد قانون نفت)، انعطاف‌ناپذیری، تعدد قوانین و مقررات و شفاف نبودن آن‌ها و برخی سیاست‌های داخلی مانند سیاست‌های بانکی، مالی و گمرکی که ریسک‌های متفاوت مانند ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و ریسک نقدینگی را به دنبال داشته، موجب تضعیف جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف کشور به‌ویژه در حوزه گاز شده است. و این درحالی است که روسیه، قطر و ایران به دنبال تصاحب بازارهای گاز طبیعی جهان هستند. روسیه دارای بیشترین ذخایر گازی و همچنین کشوری قدرتمند در سطح جهان و دارای حق و تو بوده و از سوی دیگر، بازار گاز اروپا را تقریباً در دست گرفته و رقابت ایران با این کشور رقابتی سخت است. ایران باید سرمایه‌گذاری عظیمی در بخش گاز انجام دهد و همچنین دیپلماسی سیاسی قوی با کشورهای مطرح و از جمله هندوستان برقرار کند. قطر با سرمایه‌گذاری عظیم در صنعت L.N.G خود، رتبه اول در صادرات گاز از طریق L.N.G در سطح جهان را کسب کرده و تاحدی توانایی رقابت در کسب بازار گاز هند و سایر کشورهای مصرف‌کننده را دارد. در این میان، ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گازی جهان و همچنین موقعیت جغرافیایی مناسب، امکان صادرات گاز به بازارهای منطقه بخصوص بازارهای آسیا مانند هند را دارا است. اما طی سال‌های گذشته با وابستگی بیش از حد درآمد کشور به فروش نفت، عملاً این موضوع به ابزاری برای تهدیدها و تحریم‌های آمریکا و به نقطه ضعفی برای کشور مبدل شده است. ایران برای ایفای نقش مؤثر در منطقه و جهان، نیازمند استفاده از تمام امکانات سرزمینی خویش است و بخش انرژی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. در این راستا باید تلاش شود هرچه سریع‌تر ظرفیت‌های بالقوه کشور در حوزه انرژی تبدیل به قابلیت‌هایی شود که بر قدرت اقتصادی و در نهایت سیاسی کشور بیفزاید و منزلت و جایگاه بین‌المللی ایران را تقویت کند. بالفعل کردن این قابلیت‌ها به معنی توسعه صنعت گاز و روابط بین ایران و کشورهای منطقه است، توسعه‌ای که علاوه بر افزایش ظرفیت تولید و نوسازی این صنعت، می‌تواند رشد و پیشرفت صنایع پشتیبان نفت و گاز را در پی داشته باشد و نقش ایران را در معاملات بین‌المللی انرژی و معادلات منطقه‌ای افزایش دهد. در حیطه

LL.N.G (Liquefied natural gas)

خارجی مهم‌ترین مانع برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تحقق اهداف پروژه‌های صادرات گاز، کارشکنی‌های آمریکا بوده است. چراکه ایران و آمریکا در بسیاری از مقوله‌ها با یکدیگر تعارض دارند. به نظر می‌رسد ماهیت تعارض ایران و آمریکا از یک تناقض نما (پارادوکس) رنج می‌برد که ناشی از دو زیست-جهان^۱، به تعبیر هابرماس^۲ است. متمایل نبودن ایران به نفوذ آمریکا در کشور با تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای و مسائل حقوق بشر در تضاد و تناقض قرار می‌گیرد. کمک به کشورهای مسلمان بر اساس آموزه‌های اسلامی نیز با حمایت از گروه‌های هراس‌پرور و مخالفت با موضوع صلح خاورمیانه در تضاد است در عین حال، مسأله حقوق بشر در سطح بنیادین با تلقی کشورهای غربی و آمریکا در تناقض قرار دارد. کنار گذاشتن بسیاری از حدود و قواعد شریعت اسلامی در بحث‌های جزایی و کیفری و حقوقی ایران، معادل کنار گذاشتن آیین و شریعت اسلام پنداشته می‌شود. در مقابل، آمریکا با تأکید بر حقوق بشر سعی می‌کند فرهنگ و سبک زندگی خود را به دیگر کشورها صادر کند. در واقع، آزادی و دموکراسی کاملاً آمریکایی را در خاورمیانه تحقق بخشید. تحقق دموکراسی می‌بایست به ایجاد حکومتی در ایران منجر شود که آمریکاستیز نباشد یا حداقل تضادی بین منافع ملی و منافع آمریکا ایجاد نکند و سازش مناسب پدید آورد (غرایاق‌زندگی، ۱۳۸۴: ۷-۶). در این میان، ایدئولوژی و به تعبیری نقش و جایگاه و همچنین آمال سیاسی دینی جمهوری اسلامی ایران در تضادی صددرصدی با اهداف آمریکا در خاورمیانه قرار دارد. در واقع اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه مبتنی بر دفاع از مسلمانان به ویژه ملت فلسطین، ارتقای جایگاه راهبردی جهان اسلام، کاهش تخاصمات قومی و مذهبی، امنیت دسته‌جمعی مبتنی بر مشارکت کشورهای اسلامی و... است که عمدتاً یا معطوف به تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی است یا در قالب مصالح امت اسلامی طرح می‌گردد. لذا به نظر می‌رسد قدرت‌یابی جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران، خاورمیانه‌ای متناسب با اهداف آمریکایی را با مشکل مواجه می‌کند.

1Life-World

2Jurgan Habermas

به همین جهت، اقداماتی از قبیل تحریم‌های اقتصادی، فشار سیاسی دیپلماتیک، تهدید به استفاده از زور، تلاش برای جلوگیری از رشد علمی، تکنولوژیکی و مخصوصاً دانش هسته‌ای و... برای جلوگیری از قدرت‌یابی ایران، در دستور کار آمریکا قرار داشته و دارد. بنابراین آمریکا برای آن‌که بتواند تمام چالش‌های فراروی خود را برای استقرار نظم مورد نظرش در خاورمیانه از میان بردارد، باید محدودیت‌های مؤثری را بر ایران اعمال کند (تخشید و نوریان، ۱۳۸۷: ۱۱۵). از این‌رو، آمریکایی‌ها درصددند تا برای جلوگیری از انتقال انرژی از ایران دو پروژه «ترانس خزر» و «ترانس افغان» را که ماهیتی سیاسی دارند، حیات بخشند. در پروژه «ترانس خزر» بجای بهره‌گیری از مسیر ایران، مسیر قزاقستان و ترکمنستان و آذربایجان که در نهایت به بندر جیحان ترکیه منتهی می‌شود، مسیر باکو- تفلیس- جیحان از سوی آمریکایی‌ها مورد حمایت قرار دارد. در این مسیر هدف اصلی ایالات متحده حذف ایران و روسیه از چرخه انرژی منطقه است. در مورد «ترانس افغان» نیز انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان از طریق افغانستان از سوی آمریکایی‌ها دنبال می‌شود. مخرج مشترک هر دو پروژه دخالت عنصر سیاست جهت ایجاد اختلاف در کشورهای منطقه و به تبع آن انزوای سیاسی و اقتصادی ایران است. در همین راستا، نوک پیکان قطعنامه‌های ۱۴۳۷ و ۱۴۴۷ تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران که با فشار آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید و نیز سایر تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی در طرح‌های توسعه میادین نفت و گاز و ارتقای سطح و توان بهره‌برداری از مخازن انرژی در ایران را دنبال می‌کنند. به طوری که اداره اطلاعات انرژی آمریکا طی گزارشی که روی ایران تمرکز کرده به این نکته اشاره می‌کند که تحریم‌ها باعث کندی تولید در پارس جنوبی که مرکز گاز ایران است شده است (Cordsman, 2016: 3-4). حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و سیاست‌های این کشور در تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه در سیاست‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز ایران و نقش مهمی که این کشور در تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس دارد، عامل مهمی در معادلات امنیت عرضه نفت خام و برای اروپای غربی، ژاپن، چین و سایر کشورهای صنعتی آسیا پاسفیک و سرمایه‌گذاری‌های

گازی محسوب می‌شود. در واقع آمریکا امیدوار است تا موضوع انرژی در منطقه حساس خاورمیانه، عاملی جهت واگرایی تلقی شود نه همگرایی (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۵۷-۸۸).

نتیجه‌گیری

در ساختار تصمیم‌گیری‌های آرمان‌گرا و فضیلت‌محور ذهنیت ابتغایی بر واقعیت مادی تقدم می‌یابد. بر همین اساس، سیاستگذاری‌های کلان با واقعیات روز هم‌خوان نیستند. متناسب با رهیافت نظری تحقیق خود، مدل تصمیم‌گیری عقلانی که عمدتاً واقعیت‌محورند جای خود را به مدل رضایت‌بخش در جمهوری اسلامی ایران داده است. به همین دلیل، تصمیم‌گیران کلان‌کشوری قادر به اتخاذ بهترین تصمیم در معنای اقتصادی آن نبوده‌اند. در چارچوب همین مدل تصمیم‌گیری بوده است که در جمهوری اسلامی ایران نگاهی اقتصادی به تولید و استخراج گاز طبیعی وجود نداشته و از آن به عنوان منبعی طبیعی و صرفاً برای مصرف داخلی یاد شده بود تا این‌که در اوایل دهه ۱۳۹۰ تحریم‌های غرب علیه نفت ایران، اصلی‌ترین و تنها منبع درآمد اقتصادی تشدید شد. ایران زمانی به مدل عقلانی در تصمیم‌گیری در حوزه گاز و صادرات آن روی آورد که رقبای گازی ایران، یعنی قطر و روسیه، بازار را قبضه کرده بودند. بنابراین، ایران زمانی وارد رقابت صادرات گاز شد اولاً، رقبا بازارها را به دست گرفته بودند و ایران با پیشنهاد اوپک گازی در صدد برآمد تا معادله را تغییر دهد که طبیعی بود رقبایی مثل روسیه این‌گونه پیشنهادات و تغییر معادله را به نفع خود مدیریت خواهند کرد. دوماً، ایران در دام تحریم‌هایی گرفتار شده است که از همان تصمیمات ساختاری فضیلت‌گرا تراوش یافته است. وقتی که نوک پیکان تحریم‌ها منابع درآمد اقتصادی ایران را هدف قرار داده است همین تحریم‌ها اجازه نخواهند داد ایران از طریق صادرات گاز به منابع مالی بیشتر دسترسی داشته باشد. به همین دلیل است که قرارداد خط لوله صلح به نتیجه نمی‌رسد و امکان ایجاد خط لوله به اروپا ممکن نمی‌گردد. منشأ و مبدأ همه این ناکامی‌ها و ناکارایی‌ها تصمیم‌گیری‌های ساختاری و فضیلت‌گراست. در نهایت به نظر می‌رسد با این تصمیمات و اقدامات بتوان به جایگاه گاز و صادرات آن در جمهوری اسلامی ایران

۱۹۳

روابط بین الملل

واکاوی علت عدم
موفقیت ایران در
صادرات گاز

نزدیک تر شد: الف) نخست به فکر شبکه‌سازی در بین همسایگان بود. بدین ترتیب که صادرات گاز را به کشورهای همسایه در اولویت سیاستگذاری‌های انرژی خود قرار داد تا کشورهای همسایه به گاز ایران وابسته شوند و آمریکا به راحتی نتواند صادرات گاز ایران را مورد تحریم قرار دهد. ب) الزام این سیاستگذاری تنش‌زدایی با همسایگانی است که با کمترین هزینه می‌توان بزرگ‌ترین مقدار ممکن گاز را صادر کرد که خود با توجه به مقدار تقاضا و قیمت مناسب بالاترین درآمد ارزی برای کشور به دنبال خواهد داشت.

۱۹۴

منابع:

- آیسون، گراهام. (۱۳۶۴). *شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۵). «جایگاه منافع و امنیت ملی در ساختار سیاسی خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۸، تهران. پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۸). «تأثیر اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه بر منافع جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، س ۱، ش ۲. جزینی‌زاده، اکرم، شیخ‌زاده‌جوشانی، صدیقه و کمالی، یحیی. (۱۳۹۷). «جناح‌گرایی و تأثیر آن بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبردی سیاستگذاری عمومی*، مقالات آماده انتشارات آنلاین، ۱۳۹۷/۱/۲۰.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف. (۱۳۸۴). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- روشن دل، جلیل. (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، سمت.
- رمضانی، روح‌الله. (۱۳۸۰). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلام ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره هشتم، شماره
چهارم، شماره
پیاپی سی ام
زمستان ۱۳۹۷

سیف‌زاده، حسین. (۱۳۷۶). *نظریه پردازی در روابط بین الملل، مبانی و قالب‌های فکری*، تهران: سمت، مرکز توسعه و تحقیق علوم انسانی.
سیف‌زاده، حسین. (۱۳۸۸). *مدرنیته و نظریه‌های جدید در علم سیاست*، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

شکری کله‌سر، امید. (۱۳۹۶). وضعیت صادرات گاز ایران، سایت دیپلماسی ایران.
صدیق، ابراهیم. (۱۳۹۵). «نگاه نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه در منطقه اوراسیا»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال نهم، شماره ۳۴.
عزتی، عزت‌الله و بایی‌لاشکی، مریم. (۱۳۹۴). «تاپی: خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند»، *فصلنامه جغرافیای سرزمین*، سال پانزدهم، شماره ۴۲، تابستان.
غرایاق‌زندگی، داوود. (۱۳۸۴: ۶-۷). «منافع جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه جدید»، *گزارش راهبردی*، تهران: پژوهشکده راهبردی.
قریب، حسین. (۱۳۹۰). *بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قریب، حسین. (۱۳۹۲). *دولت عقلانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). *نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت.
محمد حسن‌خانی و حسین محمدی‌سیرت. (۱۳۹۷: ۵۱). تأثیر ایدئولوژی بر منابع ملی و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره).

مختاری‌هشی، حسین، نصرتی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، دوره ۶، شماره ۲.

نخشید، محمدرضا و اردشیر نوریان. (۱۳۸۷). «یک جانبه‌گرایی آمریکایی و تأثیر آن بر نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س، ۱۱، ش، ۱.

Cordesman, Anthony H. (2016). *The Strategic Impact of Iran's Rising Petroleum Exports After -1 Sanctions, CSIS.*

Alverà, Marco & Marten, Ivan & Carroll, David C. (2018). **Global Gas Report.-2**

BP (2011). **BP statistical review of world energy**, London, -3 available at:https://www.bp.com/content/dam/bp-country/de_de/PDFs/brochures/statistical_review_of_world_energy_full_report_2011.pdf

BP (2012), **BP statistical review of world energy**, London,-4 available at:
<https://www.laohamutuk.org/DVD/docs/BPWER2012report.pdf>

BP (2017), **BP statistical review of world energy**, London, -5 available at:
https://www.bp.com/content/dam/bp-country/de_ch/PDF/bp-statistical-review-of-world-energy-2017-full-report.pdf

Eurogas (2011) OBERER.WALTER IN PRODUCTION OF FIYST JOURNAL OF ENERJY -6 LAW AND POILCY

Kuhn, Maximilian (2012), Enabling the Iranian Gas Export Options, **Berlin:Springer.** -7

Sadeghi, Zeinolabedin & Horry, Hamid Reza & Khazae, Sadegh (2017), **Energy strategy -8 reviews**, volume 18, 1-17.

۱۹۶



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی سی ام

زمستان ۱۳۹۷

خبرگذاری‌ها و سایت‌های خبری:

۱- (۱۳۹۴/۱۱/۲۱)، (مفاد قرارداد کرسنت و سیر تحولات آن)، تاریخ استخراج: ۱۳۹۷/۷/۱۰،

<https://www.irna.ir/news/81958353/>

۲- (۱۳۹۷/۹/۲۰)، (خط لوله صلح دروازه ورود به بازار بزرگ انرژی آسیای شرقی / فرصت دوباره

ایران برای نقش آفرینی در صادرات گاز)، تاریخ استخراج: ۱۳۹۷/۱۱/۳،

<https://www.eghtesadonline.com/n/1bR9>

۳- تاجیک، عرفانه (۱۳۹۷/۱۰/۲۱)، (سایه تعلل بر بازار گاز عمان / قراردادی ۶۰ میلیارد دلاری که

اجرا نشد)، تاریخ استخراج: ۱۳۹۸/۲/۵،

<https://www.mehrnews.com/news/4509612>